

تبیین مؤلفه‌های الگوپذیری کالبدی فنوتایپ در الگوی سکونتگاهی قاجار (مطالعه موردی: خانه‌های اعیانی تهران)

چکیده

در طول دوره‌های مختلف و با گذشت زمان، نمودهای کالبدی در خانه‌های ساخته‌شده در سبک‌های گوناگون معماری ایرانی به‌صورت‌های متفاوتی بروز یافته است. از آنجاکه کالبد بنا یکی از اصلی‌ترین مفاهیم در معماری است. همچنین فضای سکونت از جمله عملکردهایی است که مؤلفه‌های شکلی و کالبدی در بروز اشکال مختلف آن ضروری است. این پژوهش به دنبال یافتن مؤلفه‌های الگوپذیری کالبدی فنوتایپ در زبان الگوی بناهای قاجار تهران به بررسی شواهد و مدارک تاریخی و فرهنگی موجود پرداخته و نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق خانه‌های سنتی مربوط به دوره قاجار در تهران و نتیجه حاصل مقایسه و ارائه تجزیه و تحلیل نهایی براساس نمونه‌های مورد مطالعه خواهد بود. هدف از این پژوهش، تبیین مؤلفه‌های الگوپذیری کالبدی فنوتایپ در الگوی سکونتگاهی قاجار می‌باشد؛ به عبارتی دیگر، مقایسه نگاه شکلی در قالب فرهنگ یک سرزمین خاص هدف این پژوهش است. از طرفی بررسی چگونگی سیر تغییرات مؤلفه‌های کالبدی در تحولات خانه‌ها در دوران قاجار هدف دیگری است که این پژوهش به دنبال پاسخی برای آن خواهد بود. روش تحقیق در این پژوهش روش کیفی است. بدین منظور ابتدا با کمک مطالعه کتابخانه‌ای و همچنین مصاحبه با متخصصین شاخص‌های اصلی تعیین گشته و همچنین به بازشناسی ارزش‌های کالبدی کهن در معماری ایران پرداخته می‌گردد در گام بعد از داده‌های حاصل از شبیه‌سازی نرم‌افزاری به منظور استخراج یافته‌ها استفاده شده و در نهایت بعد از جمع‌آوری داده‌ها مقایسه و تحلیل گرافیکی صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این است که چهار شاخص اندام‌های هندسه فضایی/آرایه‌ای/نما و سازه‌ای در سه دوره قبل از ناصری/ناصری و بعد از ناصری با چه تغییراتی به مرور زمان همراه بوده‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین مؤلفه‌های الگوپذیری کالبدی فنوتایپ در الگوی سکونتگاهی قاجار.
۲. بررسی تحولات کالبدی در خانه‌های اعیانی دوره قاجار.

سؤالات پژوهش:

۱. مؤلفه‌های الگوپذیری کالبدی فنوتایپ در الگوی سکونتگاهی قاجار چگونه است؟
۲. در دوره قاجار در خانه‌های از نظر کالبدی چه تغییراتی ایجاد شده است؟

کلیدواژه‌ها: فنوتایپ، مسکن سنتی، خانه اعیانی، قاجار، تهران.

مقدمه

برای شناختن بیشتر هر نوع معماری، شناخت محیط و عوامل مولد آن اهمیت زیادی دارد. بنابراین پژوهش در معماری گذشته، بدون جستجو در معماری مردمی و شناخت مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی موجد آن، کامل نیست و در این میان، عملکرد مسکونی نسبت به دیگر انواع معماری، تعامل میان کالبد بنا و روش‌های زندگی و خصوصیات اجتماعی - فرهنگی را با شفافیت بیشتری نمایان می‌سازد. برای درک اثر معماری، شناخت بستر به‌وجودآورنده آن، تعاملات روزمره و نیازهای مادی و معنوی که معماری در پاسخ به آن‌ها تبلور یافته ضروری به‌نظر می‌رسد. از این رو می‌توان بیان داشت رفتارهای اجتماعی روزانه که مبتنی بر تعامل میان انسان و محیط بوده، به‌همراه هنجارهای اجتماعی-فرهنگی؛ عامل مؤثری در شکل‌گیری معماری مسکونی است (خاکپور و همکاران: ۹۳). با بررسی معماری ایرانی می‌توان دریافت که نمادهای ارزش‌های فرهنگی هر جامعه به ویژه جامعه ایرانی، در ساخت محیط مسکونی پیرامون او تجلی یافته و این ساخت، بیانگر هویت و ارزش‌های فرهنگی و باورهای هر جامعه است؛ به‌گونه‌ای که معماری ایرانی همچون فرهنگ جامعه ایرانی، پذیرا و پذیرنده است و القاکننده احساس تعلق خاطر، پیوستگی ترکیب و انسجام متعادل و تناسب ابعاد کارکردهاست (اصغری مقدم، ۱۳۸۳).

در این پژوهش سعی بر این است که با تکیه بر از شواهد تاریخی و میدانی به بررسی یافتن زبان مشترک یا به عبارتی یافتن چارچوبی از سلسله‌های تکرارشونده برگرفته از فرهنگ ساکنان فضا در دوره قاجار پرداخت. بررسی ذات ساختار معماری غنی ایران با رویکرد دی‌ان‌ا فرهنگی^۱ با این هدف صورت می‌گیرد که فرهنگ انسان‌ها در دوره‌های گوناگون موجب آفرینش مؤلفه‌هایی در معماری بوده است که در کنار هم به‌صورت ساختاری از فضاهای مرتبط و موردنیاز ساکنان فضا ظهور کرده است. این پژوهش که در زمینه یافتن مؤلفه‌های مشترک فرهنگی در زبان الگوی بناهای قاجار تهران می‌باشد به بررسی شواهد و مدارک تاریخی و فرهنگی موجود پرداخته و پس از یافتن مؤلفه‌هایی از دی‌ان‌ا فرهنگی این مؤلفه‌ها را در فوتوتایپ خانه‌های اعیانی قاجار در تهران تحلیل خواهد کرد. نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش خانه‌های سنتی مربوط به دوره قاجار در تهران و نتیجه حاصل مقایسه و ارائه تجزیه و تحلیل نهایی براساس نمونه‌های مورد مطالعه خواهد بود. بر همین اساس، ۹ خانه تاریخی در سه زمان از دوره قاجار (قبل از ناصری، ناصری و بعد از ناصری) تهران را مورد بررسی قرار داده است. به‌طور کلی می‌توان ضرورت پرداختن به موضوع پژوهش حاضر را از جهات زیر بیان داشت:

۱. شناخت کامل‌تر الگوهای کالبدی گذشته مسکن؛

۲. تلاش برای شناخت اندام‌های کالبدی بناهای دوره قاجار تهران؛

در این راستا پرسش‌های اصلی تحقیق به این صورت مطرح می‌شوند:

۱. عوامل ایجادکننده فوتوتایپ در سنت سکونتگاهی ایران کدام‌اند؟

۲. سیر تغییرات فوتوتایپ در تحولات خانه‌ها در دوران قاجار تهران چگونه بوده است؟

با این فرض که ساختمان یا معماری می‌تواند ردپایی از ارزش‌های فرهنگی باشد که به جای زبان انسان ساخت عمل می‌کند برای دستیابی به خواندن بناهای معماری می‌بایست ابتدا به بازشناخت روابط اجتماعی پرداخت. اگرچه می‌توان بعضی از ویژگی‌های اجتماعی را از طرح و کارکرد شیء بازشناخت اما تا حدی می‌توان با روابط اجتماعی مردمان زمان شکل‌گیری آن بنا را با خواندن بناها آشنا شد. سنت سکونتگاهی ایران، از دیرباز با اندوختن تجربیات گوناگون از طبیعت و فرهنگ و دین در چارچوب کالبدهایی به ظاهر متنوع و گاه با تضادهای بسیار دارای اصول مشابه بسیاری بوده است در پژوهش‌هایی در زمینه معماری ایرانی، «درونگرایی» جزو ریشه‌های این معماری دانسته شده و در پژوهش‌های دیگر این معماری را با نگاه گونه‌شناسانه واجد «گونه‌شناسی درون‌گرا» و «گونه‌شناسی برون‌گرا» دانسته‌اند. پرداختن به نظام‌های پنهانی که به‌عنوان اصول موجود در سنت سکونت ایرانی و تعریف روشی برای پژوهش علمی نحوه شکل‌یابی این نظام در کالبد معماری مسکونی ایران در این پژوهش مطرح است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مطالعات بر روی نمونه‌ها به صورت زیر ارائه می‌شود:

اشتراک اندام‌های سازه‌ای در سه دوره: در نتیجه می‌توان اذعان داشت از مقایسه سه دوره وجه اشتراک در ساخت اندام‌های سازه‌ای خانه‌های مورد مطالعه تقارن جزئی و کلی و استفاده از مطالعه‌ای مانند آجر/شیشه و چوب می‌باشد.

اشتراکات اندام‌های نما در سه دوره: با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان بیان داشت که وجود عناصری مانند سه‌دری و همچنین ستون و سرستون در دوره‌های قبل از ناصری و ناصری به‌عنوان شباهت دیده می‌شود و در دوره بعد از ناصری با مستطیل قوس‌دار نمای بدون ستون با گچ‌بری کرن‌تین جایگزین شده است. همچنین نماهای متقارن در دوره اول جای خود را به نهایی با عدم تقارن جزئی و یا کلی در دوره سوم دادند که در نهایت مصالح مورد استفاده در دوره‌های اول دوم گچ یا چوب یا شیشه و گچ و بوده که در دوره آخر آن‌ها اضافه شده است.

اشتراکات اندام‌های هندسه فضایی سه دوره: اندام‌های هندسی فضایی به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان اذعان داشت اندازه‌های فضایی متوسط و فرم هندسی مستطیل به صورت فرم قالب و متناسب فضایی با تضاد کم از اشتراکاتی است که در مطالعه نه خانه مورد نظر در سه دوره قاجار قابل مشاهده است.

اشتراکات اندام‌های آرایه‌ای سه دوره: به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت اشتراکات اندام‌های آرایه‌ای سه دوره به صورت نقاشی دیواری/طرح اسلیمی یا طبیعت می‌باشد که به صورت هفت‌رنگ و با مصالح گچ یا شیشه الوان/آینه یا آجر دیده می‌شوند.

منابع

- اصغری مقدم، م؛ رجبی، آ. (۱۳۸۳). جغرافیای طبیعی شهر. شهرهای مناطق خشک، تهران: نشر سرا.
- اکبری، م، کلانتریان، س م، فرزانه یار، ح. (۱۳۹۳). خانه‌های بافت تهران قدیم در دوران قاجار و پهلوی.
- امین‌پور، احمد و همکاران. (۱۳۹۴). «بازشناسی مفهوم مسکن و سکونت براساس آموزه‌های اسلام»، فصلنامه مدیریت شهر، ۴۰: ۴۰-۴۷.
- بانی مسعود ا. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران. در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. تهران: هنر معماری قرن.
- پورمند ح. ریخته‌گران م. (۱۳۸۵). «حقیقت مکان و فضای معماری»، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، (۴) ۲، ۴۳-۶۰.
- حمزه‌نژاد م. رادمهر م. (۱۳۹۶). «تحلیل اصول فضایی و الگوگزینی بهینه در معماری الگوگرایی معاصر ایران»، (بررسی موردی: سازمان میراث فرهنگی کشور، حسین امانت)، ۱۱.
- راپاپورت، ایموس. (۲۰۱۰). «انسان‌شناسی مسکن»، ترجمه خسرو افضلیان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ساریخانی، مجید. (۱۳۸۴). «بررسی باستان‌شناسی معماری دوران قاجار جلوه هنر». شماره ۲۵، ۱۵-۴.
- سلطان‌زاده، ح. آیوازیان، س. تهرانی، ف. (۱۳۹۸). «سیر تحول اندام‌های اصلی خانه‌های تبریز از دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم». فصلنامه علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی صفا؛ شماره ۸۶، ۱۳۰-۱۲۰.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۵). پنجره‌های قدیمی تهران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- غفوریان، م. و پی سخن، م، و حصاری، ا. (۱۳۹۶). «گونه‌شناسی سازمان فضایی و سلسله‌مراتب ورود در خانه‌های ایرانی با تأکید بر محرمیت». برنامه‌ریزی و توسعه کالبدی، ۷، ۱۴۴-۱۲۹.
- فرح‌بخش، م، و حناچی، پ، و غنایی، م. (۱۳۹۶). «گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد از اوایل قاجار تا اواخر پهلوی اول». مطالعات معماری ایران، ۶(۱۲)، ۹۷-۱۱۶.
- مشبکی اصفهانی، علیرضا، مشبکی اصفهانی، محمدرضا. (۱۳۹۸). «مقایسه تطبیقی نظام حاکم بر معماری عمارت‌های مسکونی دوران قاجار در تهران و شیراز با نگرش کالبدی»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش در هنر و علوم تخصصی، ۳، ۴۴-۲۷.
- قبادیان، وحید. (۱۳۸۳). معماری در دارالخلافه ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر تهران. تهران: نشر پشتوتن.
- معماریان. غلامحسین. (۱۳۹۳). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: نشر غلامحسین معماریان.
- معماریان، غلامحسین؛ طبرسا، محمدعلی. (۱۳۹۱). «گونه و گونه‌شناسی معماری». نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. شماره ۶، ۱۰۳.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ ناگهانی، نوشین. (۱۳۹۰). «تأثیر سواد بصری بر درک زیبایی در آثار معماری». مجله علمی پژوهشی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۶۲-۵۱.
- میرمیران س ه. (۱۳۷۲). «نگاهی به معماری دوره قاجار». معمار، ۸: ۱۰۲.
- نجومیان ا.ع. (۱۳۹۰). «تحلیل نشانه‌شناختی خانه‌های تاریخی کاشان. نامه معماری و شهرسازی، (۱) ۱، ۴۹-۶۱.
- نوربرگ شولتز ک. (۲۰۰۴). معماری معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان.
- Hillier, B. (۲۰۰۷). Space in the machine, Cambridge, Cambridge university press
- Wigley, M. (۱۹۹۴). The Domestication of the House: Deconstruction after Architecture. Cambridge ۲۲۷۲۰۳.

